

روضه شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

«السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ.»

گل بر من و جوانی من گریه می کند بلبل به هم زبانی من گریه می کند

من گریه مخفیانه نمودم، ولی علی بر گریه نهانی من گریه می کند

به بستر فاطمه افتاده و مولا پرستارش بین حال پرستار و میسر احوال بیمارش

* یکی از وداع های سخت وداع امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س)، روزای آخر چه طور بهم نگاه می کردند
نمیدونیم!

من از بهر علی گریان علی از بهر من گریان به نوبت زینب غمیده دلداری دهد ما را

* براتون بگم حال فاطمه (س) این روزا چگونه است؟ امام صادق علیه السلام می فرماید: مادر ما در بستر افتاده، دیگه نتونست بلند شه، یه دستمال پیغمبر (ص) به مادر ما زهرا (س) داده بود، مادر ما انقدر گریه می کرد که از شدت گریه سر درد شدید می گرفت، و به سر می بست.

دستمالی که پدر داد به سر بستم تا ریشه های گره اش پوشش رخسار شود

ریشه های دستمال مانع بشه که امیرالمؤمنین صورت همسرش رو نبینه، بچه ها هم نبینن که صورت مادر کبود شده.

امشب روضه رو از زبان امام صادق (ع) بگیریم.

امام صادق (ع) برای مادرشون فاطمه (س) اینطور روضه میخوندند:

همیشه بعد از پدر، مادر ما دستمالی بر سر می بست «ما زَالَتْ بَعْدَ أَبِيهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعْصَبَةُ الرَّأْسِ» (روز به روز مادر ما ضعیف تر می شد) «نَاحِلَةُ الْجِسْمِ مِنْهُدَّةُ الرُّكْنِ بِأَكْيَةِ الْعَيْنِ مُحْتَرَقَةُ الْقَلْبِ» (لحظه به لحظه مادر ما از حال می رفت). «يُغْشَى عَلَيْهَا سَاعَةٌ بَعْدَ سَاعَةٍ» (بی خود نبود که روزای آخر حسرت بغل کردن حسین (ع) و زینب (س) به دل خانوم موند و گفت:

از درد شانه، شانه نشد موی دخترم زینب به ناتوانی من گریه می کند

دیگر حسین را نتوانم به برگرفت این گل به باغبانی من گریه می کند

* یه چنین حسرتی هم برای نازدانه ابا عبدالله باقی موند، اومد پای نیزه ای که سر بابا رو قرار دادن، گفت: بابا حیف که قدم کوتاهه دستم نمی رسه، اما خیلی دلم تنگ شده یه بار دیگه ببوسمت، یه وقت دیدن نیزه خم شد این سر بریده اومد مقابل بنت الحسین حضرت رقیه (س) قرار گرفت.

بر حنجرت چه رفته که اینگونه پرپری ای نیزه دار بد، پدرم را کجا بری؟

آخر مگر که نیزه نشینی روا به توست؟ اینجا چرا حواس همه سنگ ها به توست

از بس که سنگ، چشم تو را بوسه بسته است شاید ندیده چشم تو دست شکسته ام